



<https://jacp.scu.ac.ir/>

ISSN (P): 2538-5755

ISSN (E): 2588-6126

Received: 23 Des 2020

Accepted: 27 Apr 2021

Research Article

Doi: 10.22055/JACP.2022.40093.1222

## Investigating and Explaining Effective Strategies Based on Marital Loyalty: A Qualitative Study

Fatemeh Ghasemi Niaei<sup>1</sup>, Reyhaneh Salari<sup>2\*</sup>  
Mojtaba Haghani Zemydani<sup>3</sup>, Masoumeh Ismaili<sup>4</sup>

- 1- PhD Candidate of Counseling, Department of Counseling, Faculty of psychology and educational sciences, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran
- 2- MA of family Counselling, Department of Counseling, Faculty of psychology and educational, Sciences, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran
- 3- PhD candidate of Counseling, Department of Counseling, Faculty of psychology and educational sciences, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran
- 4- Professor of Counseling, Department of Counseling, Allameh Tabataba'i University of Tehran, Tehran, Iran

**Citation:** Ghasemi Niaei, F. , Salari, R. , Haghani Zemydani, M. and Ismaili, M. (2020). Investigating and Explaining Effective Strategies Based on Marital Loyalty: A Qualitative Study. *Clinical Psychology Achievements*, 6(2), 11-28

### Abstract

The aim of this study was to investigate and explain the effective components and strategies for marital fidelity. Based on this goal, the information required for the research was obtained through a qualitative approach and Grounded theory. Data were collected using a purposive sampling method and semi-structured interviews. Until theoretical saturation was reached, 12 participants were examined. The results of this research based on coding included the central category of trust building and good sense of socializing. The consequences of marital fidelity were examined in five areas: psychological satisfaction, balanced and reciprocal development, efficient communication model, positive role modeling for children and focal security. Also, the effective components in strengthening marital fidelity were discussed in the form of two strategies of discourse building and preparation for growth around cultural elements, social learning, personal-social growth, cognitive growth, qualitative growth of couple interactions and belief growth. In addition to those factors, the bedrock of marital fidelity under the headings of assets and resources in four sections of communication, social, moral and psychological profile were examined. Underlying factors in the formation of the structure of marital fidelity in the form of paternal family heritage were explained in three sections: parental interactions, family atmosphere and value system and finally, mediating factors such as social and cultural forces in the two parts of the macro systems and the living environment were studied and explained. The findings of this study can be used in working with families, couples, parents and children due to the identification of family strengthening factors and since they include practical references for counselors and family professionals.

**Keywords:** Strategies, marital, loyalty.

\* Corresponding Author: Reyhaneh Salari

E-mail: [Salari\\_r74@yahoo.com](mailto:Salari_r74@yahoo.com)





## بررسی و تبیین راهبردهای اثربخش مبتنی بر وفاداری زناشویی: یک مطالعه کیفی

فاطمه قاسمی نیایی<sup>۱</sup>، ریحانه سالاری<sup>۲\*</sup>، مجتبی حقانی زمیدانی<sup>۳</sup>، معصومه اسمعیلی<sup>۴</sup>

- ۱- دانشجوی دکتری مشاوره، گروه مشاوره، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران
- ۲- کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، گروه مشاوره، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران
- ۳- دانشجوی دکتری مشاوره، گروه مشاوره، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران
- ۴- استاد مشاوره، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

### چکیده

این پژوهش با هدف بررسی و تبیین مؤلفه‌ها و راهبردهای اثربخش بر وفاداری زناشویی انجام شد. بر مبنای این هدف، اطلاعات موردنیاز جهت پژوهش از طریق رویکرد کیفی و نظریه داده‌بنیاد انجام شد و با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند و با اجرای مصاحبه نیمه‌ساختاریافته، داده‌ها جمع‌آوری شدند و تا رسیدن به اشباع نظری، ۱۲ نفر مورد بررسی قرار گرفتند. نتایج این پژوهش براساس کدگذاری شامل مقوله محوری اعتمادآفرینی و حسن معاشرت بود. پیامدهای وفاداری زناشویی در پنج بخش خرسندی روانی، پیشرفت متعادل و متقابل، الگوی ارتباطی کارآمد، الگو سازی مثبت برای فرزندان و امنیت کانونی بررسی شد. همچنین مؤلفه‌های مؤثر در تحکیم وفاداری زناشویی در قالب دو راهبرد گفتمان‌سازی و تدارک مسیر رشدی پیرامون تثبیت عناصر فرهنگی، یادگیری اجتماعی، رشد شخصی-اجتماعی، رشد شناختی، رشد کیفی تعاملات زوجی و رشد اعتقادی مورد بحث قرار گرفت، علاوه بر آن عوامل بسترساز وفاداری زناشویی تحت عنوان سرمایه‌ها و منابع در چهار بخش ارتباطی، اجتماعی، اخلاقی و نیمرخ روان‌شناختی بررسی شدند، عوامل زمینه‌ساز در شکل‌گیری سازه وفاداری زناشویی در قالب میراث خانواده پدیری در سه بخش تعاملات والدینی، جو خانواده و نظام ارزشی توضیح داده شد و در نهایت عوامل واسطه‌ای تحت عنوان نیروهای اجتماعی و فرهنگی در دو بخش نظام‌های کلان و محیط زندگی بررسی و تبیین شد. یافته‌های این پژوهش به‌دلیل شناسایی عوامل استحکام‌بخش خانواده می‌توانند در کار کردن با خانواده‌ها، زوج‌ها، والدین و فرزندان مورد استفاده قرار گیرند و دربرگیرنده اشاره‌های کاربردی برای مشاوران و متخصصان خانواده است.

کلیدواژه‌ها: راهبردهای اثربخش، وفاداری زناشویی

## مقدمه

پیوند زناشویی یکی از برجسته‌ترین رخدادهای زندگی هر انسان است و در زندگی بیشتر مردم نقشی برجسته و محوری ایفاء می‌کند (عبادی‌راد و کریمی‌نژاد، ۱۳۹۶). این پیوند سرآغاز شکل‌گیری یک کانون حمایتی و عاطفی در زندگی انسان‌ها می‌باشد که با تربیت نسل‌های بعدی و بقای زندگی بشر در ارتباط است (Myers et al., 2005). علاوه بر این هنگامی که این پیوند به‌عنوان نخستین تعهد عاطفی و حقوقی و به‌عنوان والاترین آیین اجتماعی شناخته شود در ارضای نیازهای عاطفی و ایمنی افراد کارساز می‌گردد. وفاداری زناشویی از برجسته‌ترین عوامل تضمین‌کننده پیوند زناشویی سالم است (عبادی‌راد و کریمی‌نژاد، ۱۳۹۶). Fenell (1993) و Weigel & Ballard-Reisch (1999) در تحقیق خود تعهد و وفاداری را اولین عامل در پایداری ازدواج‌های پایدار رضایت‌مند ذکر کرده‌اند. وفاداری در اصطلاح به‌معنای التزام در پیمان زناشویی و پایداری در همبستگی عاطفی و جنسی است (نقیبی و زمانی، ۱۳۹۰). برای اساس در وفاداری زناشویی بر التزام و پایداری به پیمان زناشویی و رعایت وظایف عاطفی و جنسی تأکید شده است، یعنی زوجین باید نسبت به پیمان زناشویی وفادار باشند بدین‌معنی که در اجرای کامل تعهد و تحقق کامل و تام عهد پیمان زناشویی کوشا باشند (مصطفوی، ۱۳۶۸). متعاقباً افرادی که دارای تعهد زناشویی هستند دیدگاه بلندمدتی در مورد ازدواجشان دارند، برای رابطه‌شان فداکاری می‌کنند، در جهت حفظ، تقویت و همبستگی اتحادشان گام برمی‌دارند و حتی زمان‌هایی که ازدواجشان پاداش‌دهنده نیست با همسرشان می‌مانند (قنبری هاشم آبادی و همکاران، ۱۳۹۰). باتوجه به آنچه بیان شد در علم روان‌شناسی وفاداری را می‌توان در قالب سه نظریه بیان کرد که عبارت است از: وفاداری عاطفی، جنسی و ترکیبی از این دو. در مجموع می‌توان گفت وفاداری زوجین از دیدگاه روان‌شناسی این است که هر یک از زوجین شخص سومی را در رابطه خویش وارد نکند (خواه در قالب ارتباط عاطفی کوچک و یا حتی برقراری رابطه جنسی) و به رابطه‌ای که بین ایشان شکل گرفته است خیانت نکند (محمدی سرپیری و همکاران، ۱۳۹۳). وفاداری زناشویی شامل مؤلفه‌ها و فاکتورهایی است که در تحقیقات متعدد به آن به اشاره کرده‌اند، به‌عنوان مثال Nathaniel et al. (2008) در تحقیق خود نشان دادند بین دینداری و وفاداری زناشویی ارتباط وجود دارد، زوجین گزارش کردند که اعتقادات مذهبی و اقداماتی شامل پیدا کردن معنی در تعهد به ازدواج و اعتقاد داشتن به ازدواج به‌عنوان یک نهاد مذهبی که دوام خواهد داشت به آن‌ها کمک کرد تا خدا را به‌عنوان سومین شریک در ازدواج خود قرار دهند. Daniel et al. (2006) نشان دادند زمانی که همسران نقش و میزان تأثیر خود را در روابط برابر، منصفانه و راضی‌کننده می‌بینند احتمالاً سطوح مثبتی از تعهد را تجربه می‌کنند. علاوه بر این یافته‌ها نشان داد که ادراک افراد از تعهد نه تنها با درک خودشان از نقش و تأثیر بلکه با درک شرکای خود نیز در ارتباط بود. ویگل استدلال کرد که درک همسران از نقش‌ها و تأثیر آن‌ها در رابطه با دیدگاه‌های فردی آن‌ها در ارتباط است که به‌نوبه خود با سطح تعهد هر یک از همسران در ازدواج مرتبط است. علاوه بر این‌ها Givertz et al. (2009) نیز نشان دادند در روابطی که افراد آن را منبعی از عاطفه‌ی مثبت ارزیابی می‌کنند، تعهد افزایش پیدا می‌کند. در پژوهش‌های داخلی نیز همچنین ملکوتی‌خواه (۱۳۹۰) در تحقیق خود دو عنصر ایمان و باورهای مذهبی و معاشرت به معروف را به‌عنوان مؤلفه‌های بنیادین و اثرگذار در فرایند وفاداری همسران به میثاق استوار ازدواج بیان نمود. علاوه بر آن وزیری‌فرد (۱۳۹۵) مؤلفه‌های وفاداری در آموزه‌های قرآنی را که شامل درک صحیح از هدف ازدواج، محکم بودن پیمان ازدواج، ارتباط زناشویی بر محور محبت و یادآوری خاطرات شیرین را بیان کرده است، این ۴ مؤلفه نیز می‌تواند تأثیر بسزایی در ایجاد وفاداری و پایدار بودن آن در خانواده ایفاء کند. آل رسول (۱۳۹۱) نیز شاخصه‌های ارزشی وفاداری همسران را، الف. ازدواج میثاق غلیظ است. ب: خدامحوری در زندگی بیان می‌کند، علاوه بر آن صفات اخلاقی که وفاداری به‌دنبال خود می‌آورد شامل رازداری، چشم‌پوشی از خطاهای یکدیگر، احترام متقابل با وجود درک تفاوت‌ها و نقایص یکی یا هر دو، مدارا و سازش را در تحقیق خود نام می‌برد. زهرا تقی‌یار و همکاران (۱۳۹۷) نشان دادند تأثیر سبک‌های عشق‌ورزی بر صمیمیت جنسی معنی‌دار است. اثر مستقیم تعهد زناشویی و سبک‌های عشق‌ورزی بر رضایت جنسی معنی‌دار است. تأثیر غیرمستقیم

تعهد زناشویی بر صمیمیت زناشویی و همچنین سبک‌های عشق‌ورزی بر صمیمیت زناشویی معنی‌دار است. باتوجه به این می‌توان گفت تأثیر رضایت جنسی بر رابطه تعهد زناشویی با صمیمیت زناشویی میانجی کامل است. علاوه بر این‌ها در تحقیق حسینی و همکاران (۱۳۹۴) نشان داده شد که ویژگی‌های شخصیتی برون‌گرایی، سازگاری و مسؤلیت‌پذیری رابطه‌ی مثبت و معنی‌دار با وفاداری زناشویی دارند. علاوه بر این‌ها (Michelle et al., 2014) اقدامات حفاظتی را جهت آموزش درمان‌گران به زوجین شناسایی کرده‌اند که می‌توان از آن برای بازگرداندن وفاداری به زوجین درگیر در بی‌وفایی زناشویی و همچنین تقویت وفاداری زناشویی استفاده کرد. وی نشان داد به‌منظور مقابله با این مسئله می‌توان از افزایش کیفیت زمان صرف‌شده با همسر، آموزش مهارت‌های ارتباطی عملکردی در خدمت بازکردن خطوط انتقال نیازهای هر دو شریک، افزایش مهارت‌های حل مسئله و آموزش مهارت‌های ارتباطی در رویکردهای رفتاری استفاده کرد. از آنجایی که خانواده به‌عنوان بنیادی‌ترین نهاد فرهنگی و اجتماعی، پایدارترین اثرگذاری را بر اعضای خویش دارد (Amato & Keith, 2011) و همچنین باتوجه به نقش مهم خانواده در تربیت افراد و رشد اجتماع و نیز به‌دلیل اینکه دو نهاد خانواده و اجتماع بر یکدیگر تأثیر متقابل دارند و نیز زوال و بقای هر یک در دیگری مؤثر می‌باشد (محمدی سرپیری و همکاران، ۱۳۹۳) با این وجود شواهد حاکی از برهم خوردن این ساختار به‌ویژه در ایران است، به‌عنوان مثال به‌طور میانگین در هر ساعت، ۸۲/۶ مورد ازدواج و ۱۸/۶ مورد طلاق در کشور ثبت می‌شود. یعنی در هر سه دقیقه یک خانواده ایرانی از هم فرو می‌پاشد (تابناک، ۱۳۹۴).

نتایج پژوهش‌ها دلایلی را برای تعارضات زناشویی و طلاق مطرح کرده‌اند (محسن‌زاده و همکاران، ۱۳۹۰). در پژوهش‌های انجام‌شده جهت شناسایی دلایل طلاق، بی‌وفایی به همسر را به‌عنوان یکی از علل مؤثر بر این پدیده شناسایی نموده‌اند (خجسته‌مهر و عباس‌پور، ۱۳۹۳، محسن‌زاد و همکاران، ۱۳۹۰). علاوه بر این بیشترین آمار ثبت‌شده طلاق در تاریخ ایران مربوط به سال ۹۶ است که حدود ۸۰ درصد از این طلاق‌ها به‌خاطر مسئله خیانت بوده است (تابناک، ۱۳۹۸). در ایران آمار رسمی و مشخصی در مورد بی‌وفایی وجود ندارد، با این وجود در یک پژوهش آمار مردان ۴۲ درصد گزارش شد که بیشترین ارتکاب در سنین ۲۶ تا ۳۵ سالگی بود (فتحی و همکاران، ۱۳۹۲) و در مورد زنان نیز در تحقیق دیگری آمار بی‌وفایی حدود ۱۵-۱۳ درصد بیان شده است (کاوه، ۱۳۹۳). بررسی‌ها نشان می‌دهد که فراوانی بی‌وفایی در سال‌های اخیر افزایش یافته است (Goldie, 2013، قرائی مقدم، ۱۳۹۲). به طوری که در پژوهش‌های جدیدتر احتمال اتفاق افتادن آن در طول عمر ۶۰ درصد عنوان شده است (Abrahamson et al., 2012) و این زنگ خطری جدی برای تمام جوامع و تهدیدی برای سلامت خانواده‌ها به‌ویژه در ایران به‌عنوان یک کشور فرهنگی و خانواده‌محور می‌باشد (آسایش و همکاران، ۱۳۹۷). باتوجه به آمار بالای طلاق ناشی از بی‌وفایی و همچنین تأثیرات عمیق خانواده از ایدئولوژی‌ها و گفتمان‌های غالب ناشی از تحولات فرهنگی جامعه، می‌توان گفت که امروزه جایگاه وفاداری زناشویی در بنیان خانواده نسبت به گذشته کمرنگ‌تر شده و جامعه با افزایش روزافزون آمار طلاق ناشی از بی‌وفایی روبه‌رو خواهد بود. علاوه بر این باتوجه به اهمیت سازه وفاداری در زندگی زناشویی و کارکرد مهم آن در حفظ، پایداری و سلامت ازدواج و همچنین جهت افزایش میزان وفاداری زناشویی زوجین و جلوگیری از احتمال طلاق‌های ناشی از بی‌وفایی، شناخت صحیح این سازه مهم و مؤلفه‌های مؤثر بر حفظ و تداوم آن ضروری است (حسینی و همکاران، ۱۳۹۴). لذا باتوجه به اهمیت وفاداری زناشویی و به‌طور کلی جایگاه والای خانواده در فرهنگ و سنت ایرانی-اسلامی، این پژوهش قصد دارد با استفاده از روش داده‌بنیاد به بررسی و تبیین راهبردهای اثربخش مبتنی بر وفاداری زناشویی و واری‌های مؤلفه‌هایی که ضامن زندگی وفادارانه زوجین است بپردازد.

## روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع کیفی و با روش داده‌بنیاد انجام شده است، باتوجه به اکتشافی بودن پژوهش و نبود تحقیقات در حوزه مورد مطالعه، روش داده‌بنیاد روش مناسبی است که امکان جمع‌آوری اطلاعاتی عمیق را فراهم کرده و

می‌تواند به‌عنوان منبعی ارزشمند برای جهت‌دهی پژوهش در راستای شکل‌بندی یک الگوی مفهومی به‌کار برده شود (استراوس و کوربین، ۱۹۹۰). روش داده‌بنیاد روشی مطلوب برای پژوهش در حوزه‌هایی است که دانش اندکی درباره آن‌ها در دسترس است. این روش بر مبانی فلسفی کنش متقابل نمادین بنا شده و با هدف ایجاد نظریه جدید یا اصلاح نظریه‌های قبلی با استفاده از داده‌های خام تدوین شده است (Krahn & Putnam, 2003).

اساس نمونه‌گیری در تحقیقات کیفی-میدانی بر مبنای نمونه‌گیری هدفمند است. جامعه هدف متشکل از زوجین وفادار شهر تهران بود که با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند از طریق تماس با آشنایان و همکاران و افراد مرتبط در حوزه روان‌شناسی و خانواده نمونه‌ای دارای ملاک‌های ورود و معرف جامعه انتخاب و مورد بررسی قرار گرفت. ملاک‌های انتخاب نمونه در این پژوهش دربرگیرنده مواردی شامل وفاداری زوجین در طول زندگی مشترک، ایرانی بودن، سلامت روانی و داوطلب شرکت در پژوهش می‌باشد. جهت گردآوری اطلاعات از شیوه مصاحبه عمیق و نیمه‌ساختاریافته، که با روش زمینه‌ای تناسب بسیاری دارد استفاده شده است (Punch, 2005, Atkinson et al., 2007) در این نوع مصاحبه سعی می‌شود که احساسات، تجربه و افکار مصاحبه‌شونده در زمینه‌ی موضوع مورد پژوهش کشف شود، لذا عموماً حالتی غیرسازمان‌یافته دارد و به‌ویژه در ابتدا سعی می‌شود سوالات کلی طرح شود که مصاحبه‌شونده به‌راحتی افکار خود را ابراز کند (صلصالی و همکاران، ۱۳۸۶). سوالات با توجه به شرایط پیش‌آمده به‌واسطه کرونا از طریق پیام‌رسان واتساپ برای داوطلبین ارسال شد، داوطلبان و مشارکت‌کنندگان در قالب فایل صوتی پاسخ‌های خود را ارسال و محقق جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها فایل‌ها را به‌صورت جز به جز بر روی کاغذ پیاده نمود. البته آغاز هر مصاحبه برای مصاحبه‌شوندگان توضیحاتی در مورد اهداف پژوهش، علت ضبط صوت مصاحبه، محرمانه ماندن اطلاعات و هویت آن‌ها ارائه شد و مصاحبه‌ها تا جایی ادامه یافتند که پاسخ‌ها به حد اشباع نظری برسند و درنهایت ۱۲ نفر مورد بررسی قرار گرفتند. عموماً پژوهش‌های داده‌بنیاد با مشارکت ۸ تا ۲۰ نفر انجام می‌شود و استفاده از حجم نمونه بیشتر می‌تواند عمق بررسی را کاهش دهد. در تحقیقات کیفی نمونه کوچک به پژوهشگر بیشتر امکان تسلط بر پاسخ‌های شرکت‌کنندگان و تفسیرهای فردی ارائه می‌کند و اشباع نظری نقطه‌ی پایان نمونه‌گیری را نشان می‌دهد (هومن، ۱۳۸۵).

تحلیل محتوای مصاحبه، طی فرایندی منظم و در عین حال مداوم از مقایسه‌ی داده‌ها بود و برای این کار از فرایند سه مرحله‌ای شناسه‌گذاری باز، شناسه‌گذاری محوری و شناسه‌گذاری انتخابی استفاده شد (استراوس و کوربین، ۱۹۹۰). شناسه‌گذاری باز، فرایند تحلیلی است که از طریق آن مفاهیم مشخص و خواص و ابعاد آن‌ها در داده‌ها کشف می‌شود. به‌طور کلی در شناسه‌گذاری باز، داده‌ها به قطعات جدا شکسته می‌شود و از نزدیک مورد بررسی قرار می‌گیرد و نسبت به شباهت‌ها و تفاوت‌ها مقایسه می‌شود. شناسه‌گذاری محوری فرایند ربط‌دهی مقوله‌ها به زیرمقوله‌ها و پیوند دادن مقوله‌ها در سطح ویژگی‌ها و ابعاد است. این شناسه‌گذاری به این دلیل محوری نامیده می‌شود که شناسه‌گذاری حول (محور) یک مقوله تحقق می‌یابد (استراوس و کوربین، ۱۹۹۸). در این مرحله مقوله‌ها، ویژگی‌ها و ابعاد شناسه‌گذاری باز، تدوین می‌شود و سرجای خود قرار می‌گیرد تا دانش فزاینده‌ای در مورد روابط ایجاد گردد (Lee, 2001). همچنین در این مرحله ابعاد پارادایم شناسه‌گذاری شکل می‌گیرد و شامل شش دسته: مقوله‌محوری، شرایط علی، شرایط مداخله‌گر، شرایط زمینه‌ای، راهبردها و پیامدها است (ملایی و همکاران، ۱۳۹۷). شناسه‌گذاری انتخابی، فرایند هماهنگ‌سازی و تلطیف بین نظریه و روندی است که طی آن طبقات به یک طبقه‌ی مرکزی مرتبط می‌شود و نظریه را شکل می‌دهد (استراوس و کوربین، ۱۹۹۰). در این مرحله از شناسه‌گذاری، نظریه داده‌بنیاد یک نظریه از روابط بین مقوله‌های شناسه‌گذاری محوری به نگارش در می‌آورد. در یک سطح اصلی این نظریه شرحی انتزاعی برای فرایندی که در پژوهش مطالعه می‌شود، ارائه می‌کند (استراوس و کوربین، ۱۹۹۸). در این مرحله مقولات استخراج‌شده براساس پیوستار و منطق معنایی در قالب خط داستان با یکدیگر در ارتباط قرار گرفت و درنهایت یک مقوله‌ی هسته‌ای استخراج شد. همچنین در پژوهش‌های کیفی به‌جای دو مفهوم اعتبار و روایی از مفهوم قابلیت اعتماد استفاده می‌شود.

برای رسیدن به امکان اعتماد یافته‌ها، از سه روش متعارف و مرسوم استفاده می‌شود (Silverman, 2005) الف. اعتباریابی توسط اعضا: در این قسمت از مصاحبه‌شوندگان خواسته شد یافته‌های کلی را ارزیابی کنند و درباره صحت آن نظر بدهند. ب. مقایسه‌های تحلیلی: در این روش به داده‌های خام رجوع شد تا ساخت‌بندی نظریه با داده‌های خام مقایسه و ارزیابی شود. ج. استفاده از فن ممیزی: در این زمینه دو متخصص در زمینه نظریه داده‌بنیاد هر یک مراحل گوناگون شناسه‌گذاری و مفهوم‌سازی و استخراج مقولات را با همکاری و نظارت یکدیگر انجام می‌دهند که در این پژوهش جهت سنجش میزان قابلیت اعتماد از سه روش پیش گفته استفاده شده است.

## یافته‌ها

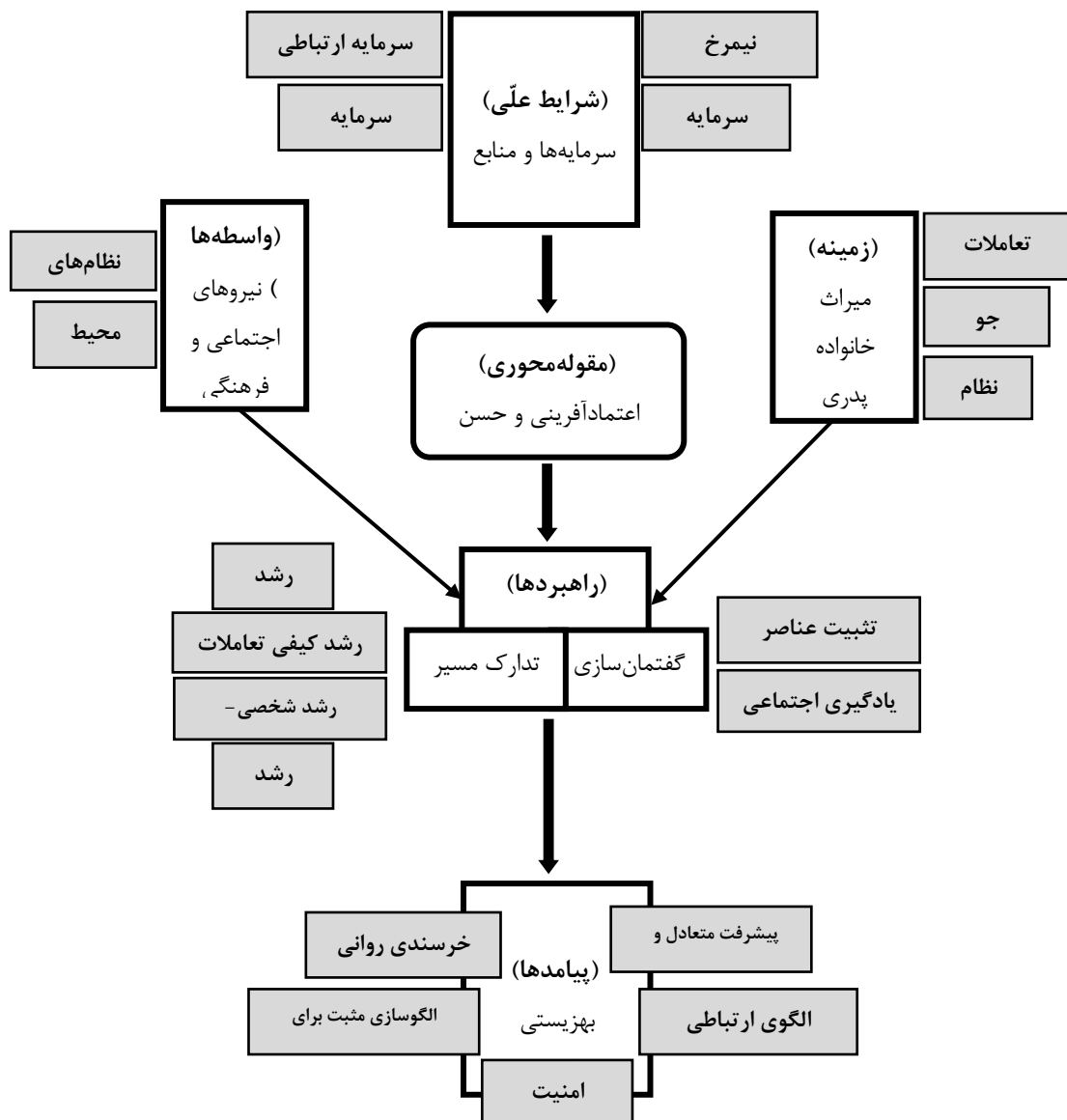
همانطور که در جدول ۱ مشخص است ماحصل اشباع نظری داده‌ها در فرایند مصاحبه و تجزیه و تحلیل گفته‌های شرکت‌کنندگان در پژوهش، در تحلیل نهایی داده‌ها، ۹۵ کد باز، ۲۰ کد محوری و ۶ کد انتخابی شناسایی شد.

جدول ۱. مفاهیم و مقوله‌های برگرفته از داده‌ها

کدهای باز	کدگذاری محوری	کدگذاری انتخابی
روحیه قدردانی، از خودگذشتگی، مسئولیت‌پذیری، تمایز یافتگی، پیش‌بینی‌پذیری، حفظ خونسردی و آرامش خاطر، حسن خلق	سرمایه ارتباطی	سرمایه‌ها و منابع
حسن پاسخگویی به اجتماع، علاقه اجتماعی، اهمیت تاییدات اجتماع	سرمایه اجتماعی	
ناموس پرستی و غیرت، تقوا، قاعده‌مندی، حفظ چهارچوب‌ها، التزام عملی و اخلاقی	سرمایه اخلاقی	
تحمل‌پذیری، ثبات خلقی، پذیرش خویشتن، هویت مستحکم، امنیت روانی	نیمرخ روان‌شناختی	
کیفیت روابط زناشویی والدین، روایت‌های قالب خانواده مبداء	تعاملات والدینی	میراث خانواده پدری
سابقه خیانت در اعضای خانواده، رقص صمیمیت در خانواده مبداء، رازها و اریه روانی	جو خانواده	
فرهنگ، نگرش‌ها و باورهای خانواده	نظام ارزشی	
هدفمندی، تاب‌آوری، امیدواری	خرسندی روانی	بهبودی زناشویی
سلامت جسمی و روحی، یکپارچگی نقش‌های زندگی، کمک در جهت رفع نقایص همدیگر	پیشرفت متعادل و متقابل	
کاهش تعارضات، دل‌بستگی ایمن دوجانبه، جوش صمیمیت	الگوی ارتباطی کارآمد	
آرامش کانون خانواده، ارتقاء معنوی خانواده، افزایش خیر و برکت، حفظ جایگاه خانواده در اجتماع	امنیت کانونی	
اتخاذ نگرش مثبت به زندگی زناشویی، بهبود سلامت جسمی و روحی فرزندان، ازدواج موفق فرزندان، تکریم جایگاه پدر و مادر، حفظ جایگاه‌ها، حرمت‌ها و نقش‌ها	الگوسازی مثبت برای فرزندان	
مجموعه دوستان و آشنایان، محیط و منطقه سکونت	محیط زندگی	نیروهای اجتماعی و فرهنگی
دین، نگرش‌های فرهنگی و ایدئولوژی، جنسیت، قومیت، طبقه اجتماعی و اقتصادی، سیاست‌های حاکم بر جامعه	نظام‌های کلان	
ترویج فرهنگ حیا و حجاب، حریم‌سازی برای خانواده، عدم‌تایید اجتماعی خیانت، تأکید بر ارزش‌های فرهنگی و دینی، مدیریت محتوای کتب درسی	تثبیت عناصر فرهنگی	گفتمان‌سازی
آموزش خانواده، آموزش قبل از ازدواج، مدیریت رسانه‌ها و فضای مجازی، عملکرد مسئولین و مربیان، الگوسازی نمونه‌های موفق منطبق با فرهنگ، نظارت بر فرهنگ محیط‌های آموزشی (مدارس و دانشگاه‌ها)	یادگیری اجتماعی	
حل مسائل روحی و روانی، اجتناب از محرک‌ها، بهبود مهارت‌های گفتگو و حل مسئله، تعیین اهداف و انتظارات، کنترل‌پذیری شخصی، انطباق‌پذیری، دوری از جزم‌اندیشی، شوخ‌طبعی	رشد شخصی-اجتماعی	تدارک مسیر رشدی
جستجوگری و اطلاعات، اصلاح تفکر و انتظارات نامعقول، عبرت‌آموزی	رشد شناختی	
گفتمان حمایتی همسران، تصمیم‌گیری اشتراکی، حمایت عاطفی، ابراز عشق و علاقه،	رشد کیفی تعاملات زوجی	

		حمایت مالی، تعهد جنسی، مرکزیت همسر و رابطه زوجی، حل مسائل زناشویی، توجه مثبت نامشروط به همسر، اختصاص زمان مشترک، حفظ اسرار خانوادگی، رفع نیازهای متقابل، تعیین مرزهای اجتماعی و خانوادگی، خلاقیت در روابط زناشویی
	رشد اعتقادی	اخلاق‌مداری، دینداری، معنایابی، امانت‌داری و راستگویی، شکرگزاری

همچنین نتایج تحقیق برحسب شرایط علی، شرایط مداخله‌ای و زمینه‌ساز، راهبردهای کنش و کنش متقابل و پیامدها مورد بررسی قرار گرفت. مقوله محوری در این الگو «اعتماد آفرینی و حسن معاشرت» است که دیگر مقولات را می‌توان به آن مرتبط ساخت و در ارتباط با این مقوله عوامل علی، شرایط زمینه‌ای، شرایط مداخله‌ای، راهبردها و همچنین پیامدها بررسی می‌شود. شکل ۱ نشان‌دهنده‌ی این الگوی پارادایمی است.



شکل ۱. الگوی استخراجی وفاداری زناشویی

در ادامه به تفکیک، توضیح یافته‌ها به همراه نمونه‌هایی از عبارات‌های مصاحبه‌شونده‌ها مطرح شده است: شرایط علی به وجود آورنده مؤلفه وفاداری زناشویی: « سرمایه‌ها و منابع »

۱. سرمایه ارتباطی

۲. سرمایه اجتماعی

۳. سرمایه اخلاقی

۴. نیمرخ روان‌شناختی

مفهوم سرمایه‌ها و منابع بیانگر نیروهایی درون فردی می‌باشد که به افراد کمک می‌کند تا در مواجهه با موقعیت‌های فشارزا و اختلافات زناشویی قدرت تاب‌آوری‌شان افزایش یافته و به موجب آن تلاش خود را برای تغییر شرایط تداوم بخشیده و در نهایت این سرمایه‌ها و منابع در یک فرایند تعاملی به زندگی فرد ارزش بخشیده و در نتیجه می‌تواند وفاداری و تعهد زوجین را نسبت به یکدیگر به ارمغان بیاورد. این دسته از سرمایه‌ها عبارت هستند از: سرمایه ارتباطی، سرمایه اجتماعی، سرمایه اخلاقی و نیمرخ روان‌شناختی. در خصوص کد از خودگذشتگی شرکت‌کننده شماره ۷ در این خصوص گفت، « مثلاً اگر یک‌جایی من و شوهرم گذشت کردیم در مقابل همدیگر و گذشت هم‌رو می‌بینیم، اتفاقاً این لذت‌بخش می‌شه برای ما، دو نفر دارن با گذشت زندگی رو ادامه میدن و از کنار هم بودن لذت می‌برند. این حسه همون حالت وفاداری ایجاد می‌شه و ناخودآگاه به آدم القاء می‌شه.» در زمینه کد اهمیت تاییدات اجتماع شرکت‌کننده شماره ۴ گفت، « خانواده‌هاشون، بزرگترها، مشوق‌ها کسانی که برای زوجین محترم‌اند و با ارزش هستند اون‌ها اگر مشوق باشند، می‌توانند باعث تقویت این ارتباط باشند، دوستان در مرحله‌ی بعدی اگر در شرایط حاد یک زندگی بتوانند دوباره اون زوج رو به زندگی متمایل بکنند این‌ها باعث می‌شه که ارتباط زوجین اصلاح بشه و روی وفاداری زوجین اثرگذار باشه.» در خصوص کد التزام عملی و اخلاقی نیز شرکت‌کننده شماره ۳ چنین گفت، « به نظر من وفاداری یک حالت درونیه نسبت به انتخابی که فرد در زندگی می‌کنه و اگر انسان خودش رو مسئول بدونه نسبت به انتخابش این حس وفاداری رو اولاً از نگاه اخلاقی و اعتقادی بهش پایبند می‌شه و التزاماً در عمل هم وفادار خواهد بود.»

عوامل زمینه‌ساز به وجود آورنده وفاداری زناشویی: « میراث خانواده پدری »

۱. تعاملات والدینی

۲. جو خانواده

۳. نظام ارزشی

خانواده همچون بستری برای رشد همه‌جانبه‌ی افراد محسوب می‌شود که شخصیت و الگوهای تعاملاتی افراد ابتدا در رابطه با سایر اعضای خانواده به‌منزله اولین محیط اجتماعی طبیعی و سپس با همسر آینده در آن شکل گرفته و پایه‌ریزی می‌شود. از جمله میراثی که زوجین از خانواده پدری خود به‌همراه می‌آورند می‌توان به تأثیر تعاملات والدینی، جو خانواده و نظام ارزشی خانواده مبداء اشاره کرد. در زمینه کد کیفیت روابط زناشویی والدین شرکت‌کننده شماره ۳ گفت، «فرزندی که پدر و مادر رو نسبت به هم وفادار می‌بینه و در یک خونه‌ای که آرامش هست حس خوبی در اون بچه ایجاد می‌شه قاعدتاً شخصیت سالمی درونش ساخته می‌شه و در نتیجه پدر و مادر الگوهای عملی برایش قرار می‌گیرن.» در زمینه کد سابقه خیانت در اعضای خانواده شرکت‌کننده شماره ۱ گفت، « ی که دیده تو خانواده خیانت



شده یا ممکنه به راحتی کشیده بشه یا ممکنه بره اون سر طیف و خیلی به طور جدی نسبت به این موضوع موضع گیری داشته باشه، در خانواده‌ای که بچه خیانت پدرش رو دیده خب قطعاً براش راحت تر خواهد بود». در خصوص کد نگرش‌ها و باورهای خانواده شرکت کننده شماره ۸ گفت، «اینکه یک آدمی توی یک محیطی بزرگ شده باشه که اصل و اساس بر تعهد باشه و با فردی که با اولین مسئله مادرش از زندگی رفته قطعاً این‌ها باهم متفاوتند، تفکر خیلی تأثیرگذار هست، موقع ازدواج باید توجه بشه به اینکه افراد توی چه خانواده‌هایی بزرگ شدن با چه تفکراتی چون مسئله ناخودآگاه قابل اغماض نیست.»

پیامد شکل گیری وفاداری از ارزیابی صورت گرفته: «بهبودی زناشویی»

۱. خرسندی روانی

۲. پیشرفت متعادل و متقابل

۳. الگوی ارتباطی کارآمد

۴. امنیت کانونی

۵. الگوسازی مثبت برای فرزندان

بهبودی زناشویی، مجموعه مهارت‌های زوجین در ایجاد بستری مناسب برای زندگی بهتر و کارآمد همراه با عشق، درک متقابل، رفاه و سلامت همه جانبه است که با مجموعه عواملی همچون خرسندی روانی، پیشرفت متعادل و متقابل، الگوی ارتباطی کارآمد، امنیت کانونی و الگوسازی مثبت برای فرزندان حاصل می‌شود. در خصوص کد کمک در جهت رفع نقایص همدیگر شرکت کننده شماره ۱ گفت، «به نظر اولین تأثیر بر روی آرامش فکریشون هست و این باعث می‌شه اگر یک جایی بین زوجین یک نقصی هم وجود داشته باشه به همدیگر کمک بکنند تا این نقص از بین بره و هر دو در جهت تعالی یاری‌گر همدیگر باشند». در زمینه کد دلبستگی ایمن دوجانبه شرکت کننده شماره ۳ گفت، «خب ارتباط صمیمی و نزدیکی دارند، یک احساس دلبستگی و انس درونی که خودش مانع این می‌شه که طرف بخواهد کاری رو انجام بده که خدشه دار بشه، این دلبستگی درونی خب علل القاعده صمیمیت میاره و اینکه شفاف بودن در کلام رو میاره و خب رابطه رو بهتر و صمیمی می‌کنه». در زمینه کد ارتقاء معنوی خانواده شرکت کننده شماره ۳ گفت، «گرمی خانواده و استحکام و حتی ارتقاء معنوی خانواده به نظر من تأمین میشه یعنی وقتی دو تا زن و مرد به هم وفادار و دلبسته هستند قاعدتاً تنش هاشون کمتر می‌شه، انشون به هم بیشتر میشه و این ویژگی تأثیر می‌گذاره که زندگی هم به سمت تعادل و حتی ارتقاء جلو بره.»

عوامل واسطه‌ای در شکل گیری وفاداری زناشویی: «نیروهای اجتماعی و فرهنگی»

۱. محیط زندگی

۲. نظام‌های کلان

ازدواج سرآغاز تشکیل خانواده به عنوان کوچکترین واحد اجتماعی است. خانواده نیز به مثابه کوچکترین واحد اجتماعی متقابلاً هم بر جامعه تأثیر می‌گذارد و هم تأثیر می‌پذیرد. براین اساس خانواده تحت تأثیر فرهنگ و نقش و موقعیتی است که به آن تعلق دارد. بنابراین باور افراد نسبت به ازدواج، متأثر از اجتماع و فرهنگی است که در آن زندگی می‌کند. به عنوان مثال نیروهای اجتماعی و فرهنگی همچون محیط زندگی و نظام‌های کلان در باور افراد نسبت به وفاداری زناشویی اثرگذار هستند. در خصوص کد محیط و دوست شرکت کننده شماره ۵ گفت، «محیط و شرایط

فرهنگی روی انسان خیلی تأثیر می‌گذارد که وفادار بمونیم یا نمونیم، دوستانی که باهاشون در دوره نوجوانی یا بزرگ‌تر شدن و سنین جوانی باهاشون در ارتباطه بسیار مؤثرن در وفاداری یا خیانت کردن آدم که چقدر این روابط آزاد براشون عادی هست یا نه خب این‌ها همه اثر می‌گذارد». درخصوص کد دین شرکت‌کننده شماره ۴ گفت، «به‌نظر من مهم‌ترین عامل وفاداری تدین هست و اینکه یک انسانی اخلاق‌مدار باشه و آخرت‌باور، کسی که متدینه و باور به سؤال و جواب داره به تعهداتش چه تو زناشویی چه در زندگی اجتماعی وفادار خواهد بود و اگر یک کسی با خالق متعال بی‌وفایی کنه و به تعهدات اون پایبند نباشه در زندگی زناشویی هم به‌طریق اولاً پایبند نخواهد بود به‌همین جهت تدین و تعهد به‌نظرم باعث وفاداری می‌شه.»

راهبردهای افزایش وفاداری زناشویی: «گفتمان‌سازی»

۱. تثبیت عناصر فرهنگی

۲. یادگیری اجتماعی

گفتمان به جهت‌گیری فکری خاصی گفته می‌شود که در برهه‌ای از زمان در جامعه غالب می‌شود و به موجب آن مجموعه‌ای از افکار و رفتار متناسب با آن نیز در افراد جامعه شکل می‌گیرد، به همین منظور اگر جامعه‌ای در راستای پایه‌ریزی فرهنگ حیاء و وفا تلاش کند موجب خواهد شد تا افراد نیز بر طبق آن رفتار و عمل کنند. از جمله مؤلفه‌های مؤثر در گفتمان‌سازی می‌توان به عواملی همچون تثبیت عناصر فرهنگی و یادگیری اجتماعی اشاره کرد. درخصوص کد حریم‌سازی برای خانواده شرکت‌کننده شماره ۴ گفت، «اگر فضای جامعه پاک باشه و متعهدانه باشه و همه به این توجه داشته باشند که اگر تعهدی بکنند به حریم یک خانواده و حریم یک زوج و همین اتفاق هم می‌تونه برای خودشون و خانوادشون هم بیفته، این کمک می‌ده به اینکه خدشه‌ای به یک زندگی وارد نشه و اگر ما اون چیزی که برای خودمون می‌خواهیم برای دیگران هم بخواهیم و برعکسش باعث میشه جامعه‌ی پاک‌تری باشه که ما بدونیم رفتاری از ما اگر بتونه باعث تخریب یک زندگی بشه همین اتفاق می‌تونه برای خود ما هم بیفته». در زمینه کد عملکرد مسئولین و مربیان شرکت‌کننده شماره ۹ گفت، «بحث الگو بودن حاکمان هست یعنی خود حاکمان میتونن یه الگویی باشند برای افراد جامعه که خود عملکرد اون‌ها چطور هست، اون‌ها چه چیزهایی رو خوب و چه چیزهایی رو بد می‌دونند.»

راهبردهای افزایش وفاداری زناشویی: «تدارک مسیر رشدی»

۱. رشد شخصی-اجتماعی

۲. رشد شناختی

۳. رشد کیفی تعاملات زوجی

۴. رشد اعتقادی

زوجین می‌بایست در تحکیم بنیان خانواده تمام تلاش خود را کرده و با همان انگیزه که برای تشکیل زندگی اقدام کردند، بر دوام و رشد آن نیز همت ورزند. لذا از جمله عواملی که می‌تواند موجبات این مسیر رشدی و پویایی بنیان خانواده را فراهم آورد به رشد شخصی-اجتماعی، رشد شناختی، رشد کیفی تعاملات زوجی و رشد اعتقادی اشاره کرد. در زمینه کد شوخ‌طبعی شرکت‌کننده شماره ۸ گفت، «سعی کنیم اون شادابی و نشاط رو تو رابطه حفظ کنیم اینکه شوخی کنیم، بگیم بخندیم». درخصوص کد اختصاص زمان مشترک شرکت‌کننده شماره ۵ گفت، «اینکه برای هم وقت بذارن، اینکه هنوزم با همدیگه برن کافی‌شاپ، هنوزم با همدیگه برن قدم بزنن، هنوزم دستای همدیگه

رو بگیرن، هنوزم با هم برن یه کوهی، یه جایی، درواقع زمانی برای همدیگه بزارن». درخصوص کد حمایت عاطفی و مالی شرکت‌کننده شماره ۵ گفت، «اینکه همسر خودش رو چه حالا زن یا مرد چقدر همسرش رو حامی خودش در همه‌ی امور بدون و همینطور نقش خودش رو باز پررنگ بدونه در حفظ وظیفه خودش، باعث رشد همسرش از همه‌نظر بشه، حالا چه از نظر اعتقادی چه از نظر اقتصادی و مالی، امنیت روحی و روانی، آرامش همسرش و حتی تقویت جنبه‌ها و ارتباطات اجتماعی همسرش چقدر خودش رو مؤثر بدونه این‌ها خیلی مهم هست». درخصوص کد راستگویی شرکت‌کننده شماره ۱۲ گفت، «نجات در صداقت و راستی است، اینکه راستگو باشند نسبت‌به هم، نجات و همیشه راه در رو همیشه از مشکلات و بحران‌ها براشون ایجاد میشه، پس وفاداری اولین مرحله‌ش یعنی صداقت داشتن نسبت‌به هم است».

### بحث و نتیجه‌گیری

هدف از این پژوهش تعیین هسته اصلی شکل‌گیری پدیده وفاداری زناشویی و مؤلفه‌های مؤثر بر ایجاد آن بود تا از طریق ارائه مدل مفهومی مربوط به عوامل شکل‌گیری وفاداری زناشویی و راهبردهای اثربخش بر ایجاد آن، متغیرها و شرایط موقعیتی و فردی اثرگذار و مؤلفه‌های راهبردی برای خلق وفاداری زناشویی بررسی و درک و تبیین شود. به‌همین منظور با استفاده از روش کیفی پژوهش مبنایی به بررسی در این زمینه پرداختیم.

براساس یافته‌های این پژوهش در اولین بعد، مفهوم «سرمایه‌ها و منابع» شرط علی شکل‌دهنده سازه وفاداری زناشویی در بین زوجین است. به این معنا که در بعد منابع ارتباطی ویژگی‌هایی مانند مسئولیت‌پذیری، تمایز‌یافتگی، از خودگذشتگی، به افراد در ایجاد وفاداری زناشویی کمک می‌کند. این موضوع با پژوهش‌های صادقی و همکاران (۱۳۹۸)، امیر سرداری و همکاران (۱۳۹۹)، اصلانی و همکاران (۱۳۹۶) و Allen et al. (2011) همسو است. در بعد منابع اخلاقی نیز ویژگی‌هایی مانند ناموس‌پرستی و غیرت، تقوا، قاعده‌مندی، حفظ چهارچوب‌ها و التزام عملی و اخلاقی در شکل‌گیری وفاداری در افراد مؤثر است. مطابق با یافته‌های پژوهش حاضر، عباسی مولید (۱۳۹۰) نیز در پژوهش خود به این نتیجه رسید که اعتقاد و التزام زوج‌ها به باورها و ارزش‌های خاص ایرانی-اسلامی در حوزه خانواده و ازدواج می‌تواند نقش مهمی در حفظ و تداوم میزان پایبندی و وفاداری آنان نسبت‌به همسر و ازدواجشان ایفاء نماید. در بعد نیمرخ روان‌شناختی نیز ویژگی‌هایی مانند تحمل‌پذیری، ثبات خلقی، پذیرش خویشتن، هویت مستحکم و امنیت روانی در ایجاد وفاداری زناشویی مؤثر است. بر پایه یافته‌های این پژوهش، دین و اسپانسر (۲۰۰۵)، به نقل از شاه‌سیاه و همکاران (۱۳۸۸) نیز معتقدند که وفاداری ثبات زناشویی را افزایش می‌دهد. به اعتقاد آن‌ها رابطه‌هایی با تعهد بالاتر، انعطاف‌پذیرترند و زوجین آرامش و امنیت روانی بیشتری دارند. علاوه بر آن مطابق با یافته‌های پژوهش آدامز و جونز، هویت را یکی از مؤلفه‌های تعهد شخصی دانسته‌اند (Kapinus & Johnson, 2003). به اعتقاد Berzonsky (2003, 1996) افرادی که درک روشنی از هویت خود دارند، برای روابط شخصی بیشتر اهمیت قائل می‌شوند و پایبندی به تعهدات را یکی از نشانه‌های بلوغ فکری و شخصیتی می‌دانند (McLean & Pasupathi, 2010, Schultz, 2007) نیز موفقیت‌آمیز بودن بحران هویت در مقابل سردرگمی نقش را پیش‌شرط لازم برای تجربه صمیمیت دانسته است که صمیمیت نیز لازمه تعهد پایدار به یک شریک می‌باشد.

دومین مقوله اصلی براساس یافته‌های این پژوهش، عامل زمینه‌ای «میراث خانواده پدری» در شکل‌گیری وفاداری زناشویی است که به رفتارها، نگرش‌ها و ارزش‌هایی که زوجین با سرمشق گرفتن از خانواده پدری خود، با خود به

زندگی زناشویی مشترک به همراه می‌آورند اشاره دارد. این سرمشق‌گیری می‌تواند از تعاملات والدینی، جو خانواده و یا نظام ارزشی خانواده پدیری باشد که نتایج یافته‌های این تحقیق با تحقیقات قزلسفلو و همکاران (۱۳۹۶)، رجبی و همکاران (۱۳۹۷)، Amato (2000) و Weigel et al. (2003) همسو می‌باشد. در کشور ما خانواده نقش بسیار قوی دارد و سال‌های طولانی فرزندان را درون خود جای می‌دهد و باعث رشد و یا تضعیف مهارت‌های ارتباطی و همچنین شکل‌گیری باورها، ارزش‌ها و شناخت‌های آن‌ها در مورد ازدواج، انسان‌ها و روابط متعهدانه می‌شود (قزلسفلو و همکاران، ۱۳۹۶). از این‌رو باتوجه به یافته‌های این پژوهش، الگوی تعاملات والدینی مانند کیفیت روابط زناشویی والدین، روایت‌های قالب خانواده مبداء، سابقه‌ی خیانت در اعضای خانواده، رقص صمیمیت در خانواده مبداء، رازها و ارثیه روانی و فرهنگ، نگرش‌ها و باورهای خانواده بر نگرش و باور فرزندان بستری می‌کنند تا افراد این الگوها را درونی کرده و در روابط خود با دیگران و به‌ویژه همسر خود به‌کار ببرند. بنابر گفته‌های شرکت‌کنندگان، زوجین غالباً رفتار وفادارانه یا خلاف آن را با الگوگیری از نحوه تعاملات خانواده پدیری در زندگی زناشویی خود پیاده می‌کنند. از این‌رو بنابر این یافته‌ها می‌توان گفت میراث خانواده پدیری تأثیر زیادی بر وفاداری زناشویی دارد.

سومین مقوله اصلی در این پژوهش، عامل واسطه‌ای «نیروهای اجتماعی و فرهنگی» در شکل‌گیری وفاداری زناشویی است که شامل محیط زندگی (نظیر مجموعه دوستان و آشنایان، محیط و منطقه سکونت) و نظام‌های کلان (نظیر دین، نگرش‌های فرهنگی و ایدئولوژی، جنسیت، قومیت، طبقه اجتماعی و اقتصادی و سیاست‌های حاکم بر جامعه) می‌باشد. یافته‌های این پژوهش با تحقیقات Aman et al. (2021)، Latifa et al. (2021)، ملکوتی‌خواه (۱۳۹۰) و ناصر (۱۳۹۱) همسو بود. در بسیاری از فرهنگ‌ها، دین بر روابط متعددی که متمرکز بر هنجارها و ارزش‌هاست عمیقاً مرتبط است و بنابراین بر روابط زوجین نیز اثرگذار است. ارتباط مثبت میان دینداری و ازدواج در بسیاری از مذاهب یافت شده است (Sorokowska, 2017). در مطالعه‌ای که ناصر (۱۳۹۱) انجام داد نتایج نشان داد میزان تعهد زناشویی در بین افرادی که تقیدات مذهبی زیادی دارند به‌طور معنی‌داری بیش از کسانی است که دارای تقیدات مذهبی کم هستند و تقید مذهبی عامل اساسی افزایش میزان تعهد زناشویی به‌شمار می‌آید. نتایج پژوهش هانلر و گنچو (۲۰۰۵)، خدایاری‌فرد و همکاران (۱۳۷۹) نشان داد که گرایش مذهبی می‌تواند در ارتباط با تعهد زناشویی مؤثر باشد، زیرا مذهب شامل رهنمودهایی برای زندگی و ارائه‌دهنده مجموعه باورها و ارزش‌هایی است که این ویژگی‌ها می‌توانند زندگی زناشویی را متأثر کنند. فنل (۲۰۰۷)، به نقل از رضایی و همکاران، (۱۳۹۱) نیز در مطالعه طولی خود که به مدت ده سال به‌طول انجامید، داشتن ارزش‌های مذهبی در طول زندگی را از جمله مؤلفه‌های رضایت زناشویی موفق و طولانی‌مدت و تعهد زناشویی دانسته است.

بنابر یافته‌های این پژوهش به این نتیجه رسیدیم به کار بردن راهبردهایی مانند تدارک مسیر رشدی و گفتمان‌سازی در بخش خرد و کلان خانواده و جامعه در تحکیم وفاداری زناشویی مؤثر است. راهبر تدارک مسیر رشدی شامل رشد شناختی (نظیر جستجوگری و اطلاعات، اصلاح تفکر و انتظارات نامعقول و عبرت‌آموزی)، رشد کیفی تعاملات زوجی (نظیر گفتمان حمایتی همسران، تصمیم‌گیری اشتراکی، حمایت عاطفی، ابراز عشق و علاقه، حمایت مالی، تعهد جنسی، مرکزیت همسر و رابطه زوجی، حل مسائل زناشویی، توجه مثبت نامشروط به همسر، اختصاص زمان مشترک، حفظ اسرار خانوادگی، رفع نیازهای متقابل، تعیین مرزهای اجتماعی و خانوادگی، خلاقیت در روابط زناشویی)، رشد شخصی-اجتماعی (نظیر حل مسائل روحی و روانی، اجتناب از محرک‌ها، بهبود مهارت‌های گفتگو و

حل مسئله، تعیین اهداف و انتظارات، کنترل‌پذیری شخصی، انطباق‌پذیری، دوری از جزم‌اندیشی، شوخ‌طبعی) و رشد اعتقادی (نظیر اخلاق‌مداری، دین‌داری، معنایابی، امانت‌داری و راستگویی، شکرگزاری) می‌باشد که نتایج پژوهش‌های چوپانی و همکاران (۱۳۹۸)، رحمتی و همکاران (۱۳۹۹)، فرخی و اسلام‌زاده (۱۳۹۹)، (Hou et al. (2018)، (2017) Gildersleeve et al. همخوان با بخش‌هایی از یافته‌های این پژوهش می‌باشد. (Appleton & Bohm (2001) مطرح می‌کنند که افرادی که شوخ‌طبع هستند توانایی بالایی برای همدمی و همراهی دارند. باتوجه به نتایج این تحقیقات و پژوهش حاضر می‌توان گفت شوخ‌طبعی یکی از مؤلفه‌های اساسی برای وفاداری زناشویی است که در پژوهش حاضر نیز به آن اشاره شده است. همچنین طبق نظر (Chapman (2010) کشف و شناسایی زبان عشق همسر، برای حفظ روابط عاطفی ضروری است. این زبان‌ها شامل استفاده از کلمات تأییدی و تشویقی، کیفیت زمان با هم بودن، دادن و هدیه گرفتن، خدمت کردن به همدیگر و تماس فیزیکی می‌شود که به‌نوعی تمام این مؤلفه‌ها در این تحقیق از نظر زوج‌ها برای روابط وفادارانه‌شان مطرح شد.

همچنین راهبرد گفتمان‌سازی شامل تثبیت عناصر فرهنگی (نظیر ترویج فرهنگ حیا و حجاب، حریم‌سازی برای خانواده، عدم‌تایید اجتماعی خیانت، تأکید بر ارزش‌های فرهنگی و دینی، مدیریت محتوای کتب درسی) و یادگیری اجتماعی (نظیر آموزش خانواده، آموزش قبل از ازدواج، مدیریت رسانه‌ها و فضای مجازی، عملکرد مسئولین و مربیان، الگوسازی نمونه‌های موفق منطبق با فرهنگ، نظارت بر فرهنگ محیط‌های آموزشی (مدارس و دانشگاه‌ها) است که نتایج یافته‌های این پژوهش با تحقیقات نقیبی و همکاران (۱۳۹۰)، ملکوتی‌خواه (۱۳۹۰) و قزلسفلو و همکاران (۱۳۹۶) همسو می‌باشد. همچنین طبق نظر ملکوتی‌خواه (۱۳۹۰) وفاداری زناشویی حاصل کنش‌های مختلف و متقابل همسران است که متأثر از باورها، گرایش‌ها، منش‌ها رفتارهای آن‌ها و تربیت خانوادگی و وضعیت فرهنگی و اجتماعی جامعه‌ای است که همسران در آن زندگی می‌کنند. از این‌رو به تأثیرگذاری عوامل فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی کشور بر وضعیت خانواده و وفاداری زناشویی باید توجه داشت که در این تحقیق نیز به اثرگذاری این عوامل تحت عنوان کد انتخابی گفتمان‌سازی اشاره گردیده است.

ششمین مقوله که به‌عنوان پیامد ناشی از شکل‌گیری پدیده وفاداری زناشویی در این تحقیق شناخته شد، عامل «بهبودی زناشویی» می‌باشد. براساس یافته‌های این پژوهش، بهبودی زناشویی شامل خرسندی روانی (هدفمندی، تاب‌آوری، امیدواری)، پیشرفت متعادل و متقابل (سلامت جسمی و روحی، یکپارچگی نقش‌های زندگی، کمک در جهت رفع نقایص همدیگر)، الگوی ارتباطی کارآمد (کاهش تعارضات، دلبستگی ایمن دوجانبه، جوشش صمیمت)، امنیت کانونی (آرامش کانون خانواده، ارتقاء معنوی خانواده، افزایش خیر و برکت، حفظ جایگاه خانواده در اجتماع)، الگوسازی مثبت برای فرزندان (اتخاذ نگرش مثبت به زندگی زناشویی، بهبود سلامت جسمی و روحی فرزندان، ازدواج موفق فرزندان، تکریم جایگاه پدر و مادر، حفظ جایگاه‌ها، حرمت‌ها و نقش‌ها) می‌باشد که نتایج یافته‌ی این بخش از تحقیق با پژوهش‌های آل رسول (۱۳۹۱) و محمدیان (۱۳۹۲)، همسو می‌باشد. همچنین طبق نظر نقیبی و همکاران (۱۳۹۰) وفاداری زناشویی دربردارنده‌ی آثار فراوانی است که آرامش درونی زوجین، انس و الفت میان آن‌ها و تربیت صحیح فرزندان از جمله پیامدهای آن به‌شمار می‌آید. به‌نوعی تمام این سه مؤلفه در این تحقیق از نظر زوج‌ها به‌عنوان بازتابی از روابط متعهدانه‌شان مطرح گردید.

در پایان می‌توان گفت چنانچه زوجین موارد مذکور را در زندگی خود به کار بسته و عملی سازند، منجر به افزایش و استحکام وفاداری زناشویی در زندگی خود و در نهایت در سطح جامعه خواهند گشت. محدودیت‌ها و پیشنهادات این پژوهش به دلیل استفاده از رویکرد کیفی و روش نمونه‌برداری غیرتصادفی و نبود شانس برابر برای همه افراد جامعه از خطا مبرا نیست. نحوه جمع‌آوری اطلاعات در قالب مصاحبه اکتشافی نیمه‌ساختاریافته به دلیل امکان دخالت نظر شخصی فرد مصاحبه‌کننده از اعتبار یافته‌های پژوهش تا حدودی می‌کاهد.

یافته‌های این پژوهش دربرگیرنده اشاره‌های کاربردی برای مشاوران و متخصصان خانواده می‌باشد. شناسایی عوامل استحکام بخش خانواده، راهنمای مناسبی برای کارکردن با خانواده‌ها، زوجها، والدین و فرزندان محسوب می‌شود. کمک به متخصصان خانواده جهت گام برداشتن در ایجاد و تقویت عوامل شناسایی شده در روابط خانوادگی به سلامت و استحکام سیستم خانواده و جامعه کمک می‌کند. در پایان پیشنهاد می‌شود با هدف کاربردی کردن این پژوهش بنیادین، برای به‌کارگیری یافته‌های حاصل از این پژوهش در مورد راهبردهای اثربخش در وفاداری زناشویی در کار با زوجین در قالب مشاوره‌های فردی و گروهی و نیل به اهداف تحولی و پیشگیرانه در زندگی زناشویی به پژوهش‌های آتی در این زمینه اقدام شود.

## منابع

- آسایش، محمدحسن، فرحبخش، کیومرث، دلاور، علی و سلیمی بجستانی، حسین. (۱۳۹۷). تجارب و واکنش‌های شناختی زنان آسیب‌دیده از بی‌وفایی همسر: یک مطالعه پدیدارشناسی. *مجله تحقیقات کیفی در علوم سلامت*، ۲(۲)، ۲۲۹-۲۱۴.
- استراوس، انسلم و کربین، جولیت. (۱۹۹۰). *مبانی پژوهش کیفی: فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای* (ابراهیم افشار، مترجم) تهران: انتشارات نی.
- استراوس، انسلم، کوربین، جولیت. (۱۹۹۸). اصول روش تحقیق کیفی، نظریه مبنایی-رویه‌ها و شیوه‌ها. چ سوم. ترجمه بیوک محمدی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. ۱۳۹۰.
- اصلانی، خالد، عبدالمهدی، نیره و امان‌الهدی، عباس. (۱۳۹۶). رابطه سبک دلبستگی با تعهد زناشویی با میانجی‌گری تمایز یافتگی خود و احساس گناه در دانشجویان زن متأهل شهر اهواز. *فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهش‌های مشاوره*، ۱۶(۱)، ۱۹۱-۲۲۰.
- آل‌رسول، سوسن. (۱۳۹۱). اخلاق وفاداری همسران و شاخصه‌های ارزشی آن در اسلام. *فصلنامه زن و مطالعات خانواده*، ۴(۱۶)، ۱۳-۲۹.
- امیر سرداری، لیلی، خادمی، علی و تسبیح‌سازان مشهدی، رضا. (۱۳۹۹). بررسی روابط علی تعهد زناشویی از طریق مدل سرمایه‌گذاری ارتباط و ریشه‌های تحولی با واسطه‌گری سبک‌های پردازش هیجانی و تمایز یافتگی خود. *فصلنامه تعالی مشاوره و روان‌درمانی*، ۹(۳۵)، ۳۵-۲۲.
- تابناک. (۱۳۹۴). پژوهش‌های اجتماعی.
- تابناک. (۱۳۹۸). پژوهش‌های اجتماعی.

- تقی‌یار، زهرا، پهلوان‌زاده، فرشاد و رفاهی، ژاله. (۱۳۹۷). مدل معادلات ساختاری تعهد زناشویی و سبک‌های عشق‌ورزی با صمیمیت زناشویی با توجه به نقش میانجی رضایت جنسی. *فصلنامه زن و مطالعات خانواده*. ۱۱ (۴۲)، ۹۱-۱۰۴.
- چوپانی، موسی، سهرابی‌فرد، محمدمهدی، محمدی، فاروق، اسمعیلی، نوشین و صمدی‌فرد، آذر. (۱۳۹۸). ادراک مردان بی‌وفا (خیانت) از علل و عوامل بازدارنده از روابط فرازناشویی: یک مطالعه کیفی. *پژوهش‌های مشاوره*. ۱۸ (۶۹)، ۷۹-۱۰۵.
- حسینی، امین، زهراکار، کیانوش، داورنیا، رضا، شاکرمی، محمد و محمدی، بهناز. (۱۳۹۴). رابطه‌ی تعهد زناشویی با ویژگی‌های شخصیتی. *مجله دانشگاه علوم پزشکی سبزوار*. ۲۲ (۵)، ۷۸۸-۷۹۶.
- خجسته‌مهر، رضا و عباس‌پور، ذبیح‌الله. (۱۳۹۳). شناسایی دلایل طلاق زنان در گروه‌های قومی شهرستان اهواز. اولین کنگره ملی روان‌شناسی خانواده گامی در ترسیم الگوی مطلوب خانواده.
- خدایاری‌فرد، محمد، شکوهی یکتا، محسن و غباری‌بناب، باقر. (۱۳۷۹). آماده‌سازی مقیاس نگرش مذهبی دانشجویان. *مجله روان‌شناسی*. ۴ (۳)، ۲۸۵-۲۶۷.
- رجبی، غلامرضا، کریمی وردجانی، محمد و تقی‌پور، منوچهر. (۱۳۹۷). ارزیابی مدل رابطه بین خانواده‌ی اصلی و رضایت زناشویی با میانجی‌گری‌های تعهد زناشویی و همدلی زناشویی در پرستاران. *مجله دانشکده پرستاری و مامایی ارومیه*. ۱۶ (۶)، ۴۴۴-۴۳۲.
- رحمتی، بیتا، فرحبخش، کیومرث، معتمدی، عبدالله و برجعلی، احمد. (۱۳۹۹). الگوی تحول «مایی» در زوج‌های موفق بر مبنای نظریه زمینه‌ای. *پژوهش‌های مشاوره*. ۱۹ (۷۵)، ۲۸۹-۲۵۲.
- رضایی، جواد، احمدی، سیداحمد، اعتمادی، عذرا، رضایی و حسین آبادی، مریم. (۱۳۹۱). تأثیر آموزش زوج‌درمانی اسلام‌محور بر تعهد زناشویی زوجین. *روان‌شناسی دین*. ۱، ۶۰-۳۷.
- شاه‌سیاه، مرضیه، بهرامی، فاطمه و محبی، سیامک. (۱۳۸۸). بررسی رابطه رضایت جنسی و تعهد زناشویی زوجین شهرضا. *مجله علمی پژوهشی اصول بهداشت روانی*. ۱۱ (۴۳)، ۲۳۸-۲۳۳.
- صادقی، مسعود، قادری جاوید، سارا و شلانی، بیتا. (۱۳۹۸). پیش‌بینی تعهد زناشویی براساس ویژگی‌های شخصیت، سبک‌های دلبستگی و جهت‌گیری دینی در دانشجویان متأهل. *مجله پژوهش در دین و سلامت*. ۵ (۳)، ۳۱-۱۸.
- صلصالی، مهوش، فخر موحدی، علی و چراغی، محمدعلی. (۱۳۸۶). تحقیق‌گراند تئوری در علوم پزشکی، فلسفه و علوم کاربردی. تهران: انتشارات بشری.
- عبادی‌راد، سیدمحمد و کریمی‌نژاد، کلثوم. (۱۳۹۶). اثربخشی زوج‌درمانی شناختی-سیستمی گاتمنی بر تعهد زناشویی زوجین شهر مشهد. *دوفصلنامه آسیب‌شناسی، مشاوره و غنی‌سازی خانواده*. ۳ (۱)، ۹۲-۷۵.
- عباسی مولید، حسین. (۱۳۹۰). رابطه تعهد زناشویی با ارزش‌های فرهنگی زوجین، مطالعه موردی استان خراسان جنوبی. *فصلنامه مطالعات انتظامی شرق*. ۱، ۷-۱.
- فتحی، منصور، فکرآزاد، حسین، غفاری، غلامرضا و بوالهروی، جعفر. (۱۳۹۲). شناسایی عوامل زمینه‌ساز بی‌وفایی زناشویی مردان. *فصلنامه رفاه اجتماعی*. ۱۳ (۵۱)، ۱۳۱-۱۰۹.
- فرخی، الهام و اسلام‌زاده، بابک. (۱۳۹۹). بررسی مؤلفه‌های ارتقاء صمیمیت زوج‌ها: یک تحلیل کیفی. *پژوهش‌های مشاوره*. ۱۹ (۷۶)، ۲۰۸-۱۷۲.

قرائی مقدم، امان‌الله. (۱۳۹۲). ۳۳ درصد زنان در کرج روابط جنسی خارج از ازدواج دارند (اخبار). بازیابی شده در تاریخ ۱۳۹۲/۱۲/۲۰. برگرفته از سایت <https://saten.ir/17105/>.

قرلسفلو، مهدی، جزایری، رضوان‌السادات، بهرامی، فاطمه و محمدی، رحمت‌الله. (۱۳۹۶). شناسایی عوامل مؤثر بر تعهد زناشویی از نظر زوج‌های ایرانی (یک مطالعه کیفی). *فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهش‌های مشاوره*، ۱۶(۶۳)، ۲۸-۴۰.

قنبری هاشم آبادی، بهرام‌علی، حاتمی ورزنده، ابوالفضل، اسمعیلی، معصومه و فرحبخش، کیومرث. (۱۳۹۰). رابطه‌ی بین سبک‌های فرزندپروری، دلبستگی و تعهد زناشویی در زنان متأهل دانشگاه علامه طباطبایی. *فصلنامه علمی-پژوهشی جامعه‌شناسی زنان*، ۲(۳)، ۳۹-۶۰.

کاوه، سعید. (۱۳۹۳). *رویارویی با بی‌وفایی و یا پیمان‌شکنی همسر*. تهران: مؤسسه اندیشه کهن پرداز.

محسن‌زاده، فرشاد، محمدنظری، علی و عارفی، مختار. (۱۳۹۰). مطالعه کیفی عوامل نارضایتی زناشویی و اقدام به طلاق (مطالعه موردی شهر کرمانشاه). *مطالعات راهبردی زنان*، ۱۴(۵۳)، ۷-۴۲.

محمدی سرپیری، فریده، رفیعی فروشانی، احمدرضا و خامسی‌پور، فرسیما. (۱۳۹۳). ماهیت وفاداری زوجین از دیدگاه حقوقی، فقهی و روان‌شناسی و جایگاه آن در خانواده. *فصلنامه فرهنگی-تربیتی زنان و خانواده*، ۹(۲۹)، ۱-۳۳.

محمدیان، اکبر. (۱۳۹۲). وفای به عهد زنان در زندگی زناشویی. *نشریه علمی زن و فرهنگ*، ۵(۱۷)، ۱۰۵-۱۱۲.

مصطفوی، حسن. (۱۳۶۸). *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*. جلد: سیزدهم. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

ملایی، رحیم، اسمعیلی، معصومه و ملایی، محمد حسن. (۱۳۹۷). مطالعه کیفی نقش زبان در روابط زوج‌های متعارض، رویکردی مبتنی بر نظریه داده‌بنیاد. *فصلنامه فرهنگی-تربیتی زنان و خانواده*، ۱۳(۴۴)، ۲۷-۶۵.

ملکوتی‌خواه، اسماعیل. (۱۳۹۰). معناشناسی «میثاق غلیظ» در پیمان همسری و بررسی مؤلفه‌های بنیادین وفاداری به آن. *فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان*، ۱۳(۵۲)، ۱-۳۶.

ناصر، زهرا. (۱۳۹۱). مقایسه تعهد و رضایت زناشویی در سطوح مختلف تقید مذهبی دانشجویان متأهل. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت، مرودشت.

نقیبی، سیدابوالقاسم و زمانی، زری. (۱۳۹۰). نقش وفاداری در اعتمادآفرینی و راهبردهای توسعه‌ی آن در نهاد خانواده با رویکرد به آیات و روایات. *فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان*، ۱۳(۵۲)، ۷-۵۳.

هومن، حیدرعلی. (۱۳۸۵). *راهنمای عملی پژوهش کیفی*. تهران: انتشارات سمت.

وزیری‌فرد، سیدمحمدجواد. (۱۳۹۵). مؤلفه‌های وفاداری در خانواده با معناشناسی تعبیر «میثاق غلیظ» در قرآن. *دوفصلنامه تفسیر تطبیقی دانشگاه قم*، ۲(۲)، ۴۹-۶۰.

Abrahamson, I., Hussain, R., Khan, A., & Schofield, M. J. (2012). What helps couples rebuild their relationship after infidelity? *Journal of Family Issues*, 33(11), 1494-1519.

Allen, E. S., Rhoades, G. K., Stanley, S. M., & Markman, H. J. (2011). On the home front: Stress for recently deployed Army couples. *Family process*, 50(2), 235-247.

Aman, J., Jaffar Abbas, U. L., & Shi, G. (2021). Religious affiliation, daily spirituals, and private religious factors promote marital commitment among married couples: Does religiosity help people amid the COVID-19 crisis?. *Frontiers in psychology*, 12(657400).

Amato, P. R. (2000). The consequences of divorce for adults and children. *Journal of Marriage and Family*, 62(4), 1269-1287.



- Amato, P. R., & Keith, B. (2011). Parental divorce and Adult well-being: A Meta- Analysis. *Journal of Marriage and Family*, 1, 43-58.
- Appleton, C., & Bohm, E. (2001). Partners in passage: The experience of marriage in mid-life. *Journal of Phenomenological Psychology*, 32(1), 41-70.
- Atkinson, P., Coffey, A., Delamont, S., Lofland, J., & Lofland, L. (2007). *Handbook of Ethnography*. London: Sage Publications.
- Berzonsky, M. D., & Ferrari, J. R. (1996). Identity orientation and decisional strategies. *Personality and Individual Differences*, 20, 597-606.
- Berzonsky, M. D. (2003). Identity style and well-being: Does commitment matter?. *Identity*, 3(3), 131-142.
- Chapman, G. D. (2010). *The 5 Love Languages/Things I Wish I'd known before We Got Married Set*. Moody Publishers.
- eanfreau, M. M., Jurich, A. P. & Mong, M. D. (2014). Risk factors associated with women's marital infidelity. *Contemp Fam Ther*, 36, 327-332.
- Fenell, D. L. (1993). Characteristics of long-term first marriages. *Journal of Mental Health Counseling*, 15(4), 446-460.
- Gildersleeve, S., Singer, J. A., Skerrett, K., & Wein, S. (2017). Coding "We-ness" in couple's relationship stories: A method for assessing mutuality in couple therapy. *Psychotherapy Research*, 27(3), 313-325.
- Givertz, M., Segrin, C., & Hanzal, A. (2009). The association between satisfaction and commitment differs across marital couple types. *Communication Research*, 36(4), 561-584.
- Goldie, M. M. (2013). *Infidelity and Forgiveness: Therapists' views on reconciliation and restoration of trust following disclosure of infidelity*. A thesis submitted to the faculty of Brigham Young University in partial fulfillment of the requirements for the degree of
- Hou, Y., Jiang, F., & Wang, X. (2018). Marital commitment, communication and marital satisfaction: An analysis based on actor-partner interdependence model. *International Journal of Psychology*, 54(3), 369-376.
- Kapinus, C. A., & Johnson, M. P. (2003). The utility of family life cycle as a theoretical and empirical tool: Commitment and family life-cycle stage. *Journal of Family Issues*, 24(2), 155-184.
- Krahn, G., & Putnam, M. (2003). *Qualitative methods in psychological re-search*. in M. C. Roberts & S. S. Ilardi. *Handbook of research methods in clinical psychology*. Malden, MA: Blackwell
- Lambert, N. M. & Dollahite, D. C. (2008). The Threefold Cord Marital Commitment in Religious
- Latifa, R., Salsabila, S., & Yulianto, H. (2021). Understanding the Relationship between Religiosity and marital commitment to marital stability: An investigation on indonesian female journalists. *Religions*, 12(4), 242.
- Lee, J. (2001). A grounded theory: Integration and Internalization in ERP Adoption and Use
- McLean, K. M., & Pasupathi, M. D. (2010). *Narrative development in adolescence*. Germany: Springer Science & Business Media.
- Myers, J. E., Madathil, J., & Tingle, L. R. (2005). "Marriage satisfaction and wellness in India and the U.S.: A preliminary comparison of arranged marriages and marriages of choice". *Journal of Counseling and Development*, 83, 183-190.

- Nimtz, M. A. (2011). Satisfaction and contributing factors in satisfying longterm marriage: A phenomenological study (Doctoral dissertation, Liberty University).
- Punch, K. (2005). *Introduction to social research: Quantitative and qualitative approaches*. 2nd Edition, London: Sage.
- Schultz, I. E. (2007). The influence of maternal loss on young women s experience of identity development in emerging adulthood. *Taylor & Francis Group*, 31, 17-43.
- Silverman, D. (2005). *Doing qualitative research* London: Sage publications. Somohano, v.c. (2013). mindfulness, attachment style and conflict resolution behaviors in romantic relationship. (Ma). Humboldt state university.
- Sorokowski, P., Randall, A. K., Groyecka, A., Frackowiak, T., Cantarero, K., . . . & Sorokowska, A. (2017). Marital satisfaction, sex, age, marriage duration, religion, number of children, economic status, education, and collectivistic values: data from 33 countries. *Front Psychol*, 8, 1199.
- Weigel, D. J. & Ballard-Reisch, D. S. (1999). The influence of marital duration on the use of relationship maintenance behaviors. *Communication Reports*, 12(2), 59-70.
- Weigel, D. J., Bennett, K. K., & Ballard-Reisch, D. S. (2003). Family influences on commitment: Examining the family of origin correlates of relationship commitment attitudes. *Personal Relationships*, 10(4), 453-474.
- Weigel, D. J., Bennett, K. K., & Ballard-Reisch, D. S. (2006). Roles and Influence in Marriages: Both Spouses' Perceptions Contribute to Marital Commitment. *Family and Consumer Sciences Research Journal*, 35(1), 74-92.